

نسل جوان

در شماره هشتم یعنی تحت عنوان « جوانان در پرتگاه سقوط » برامون مشکلات و ناراحتیهای جوانان و درمان آن علی بک بررسی و تجزیه و تحلیل کوتاه نگاشتم که مورد توجه فراوان خوانندگان محترم قرار گرفت و لئامنا بدیدم در ضمن تعقیب این بحث از خوانندگان بویژه جوانان روشنفکر و تحصیل کرده : آنها که از سرگردانی نسل نو خاسته رنج میبرند در این باره برای خود احساس مسئولیت میکنند دعوت کنیم که نظرات و افکار و پیشنهادات خود را با ما در میان گذارند بلکه توانستیم با دو نظر گرفتن اظهار نظرهای اصلاحی آنها این بحث را هر چه بهتر و ریشه دارتر ادامه دهیم .



کلافه سر در کم مسئله « نسل جوان » بصورت يك معمای دردناك عسر چاره کرده و هنوز مورد بحث گمنگوی هزاران نغز اذیتهاست . مردم ؛ پدران و ماداران . اولیای اجتماعی مسئولین سازمانهای کشوری . اساتید دانشگاه . دبیران و آموزگاران میباشد . . .

در باره این سوژه جنجالی حرفهای زیادی زده شد . مطالب بسیاری انتشار یافت . آراء و اظهار نظرهای مختلفی ابراز گشت ؛ سینه بارها با آئینه طعنه افرازی و سر و صدا تشکّل شد . دامنه آن به شهرستانها هم کشید با اینحال هنوز گامی اساسی و مؤثر در راه اثبات زخمهای روحی و کمره گشایی عقده هائی روانی و مشکلات نسل نو خاسته جوان برداشته نشده است .

نور عقده های خفه شده ، فریادهای بلا جواب درونی ، شورش و طوفان ، اعتیادات خطرناك ، سقوط و انحطاط . مشکلات جنسی ، کار و تحصیل تقریباً بر سر گرمی جوانان حل

نهمه در روز بروز در توسعه و ازدیاد است و اتفاقاً اگر ما یک مقدار اهل دقت و ارزیابی مطالب باشیم بر این هم نباید اتناظر داشت زیرا در اجتماعی که عده ای از نویسندگان فرود میاید و صاحبان مطبوعات مبتذل از يك طرف سروصدای « مشکلات جوانان » در راه حل آنها راه میاندازند و از طرف دیگر با انتشار عکسهای رنگین و افسانه ها و رمانهای رسوا و کمره کننده و موضوعاتی از این قبیل ، شور و هیجان جوانان را در مسیر مگره و سقوط سوق میدهند ؛ از سادگی و آ آگاهی ما است که خواهیم دید ای آنها را منشی بر اینست که :

« ما می خواهیم بصدای غم انگیز جوانان پاسخ دهیم و نسل جوان را با همه خصوصیاتش با طرحی روشن روی تابلوی اجتماع نقش زینم و با درك آسمانه رسالت بزرگ خود (!) بچاره جوئی مشکلات آنان بر آئیم . باور کنیم .

بلکه باید به نیمه در جامعه ای که تمام ارزشهای واقعی انسانی فراموش شده امتیازات و فواید طبقاتی ، بدسترسام آوری بالا گرفته و عامل ترقی و تعلیم است و نه استعداد بلکه پول است و پارتی . . . چنین سوداگران بر پایه ای تنها برای پر کردن جیبهای خود با ماسک رهبری قاری جوانان جلوه میکنند و چون چندهای شوم رنگ در کین نسل جوان نهشته و در آثار مرگبار خود انقذ گنجهی را برای جوانان تارک کرده و صبح امید و سعادت را در آنان می کشند در این صحن جنت است که ماهر روز شاهد سقوط عجز بزائی در منجلیاب تمامی فساد و هر لحظه ناظر بر مردن گلهای نورسته ای در شورهزار ابدال و انحراف هستیم و باید هم چنین باشیم چون در يك کشور اسلامی که تمام میراثهای مذهب و افتخارات ملی خود را فراموش کرده و مدتهاست در اثر نفوذ دیگران شخصیت خود را از دست داده باشد ، باید در انتظار بجاگر و لذت بیشتر بوده و همیشه دست بگریبان مفاسد ، مشکلات ، ناپسا ما نیبا باشد و انتظار غیر از این هم نمی خورد است (1) .

در چنین مملکتی اگر پاره ای از آثار تمدن منرب زمین که مبلغ مرگ و نومییدی و لاقیدی و بی بندوباری است بفارسی دوبله گردد و در معرض مطالعه و تماشا ای جوانان گذارده شود عده ای تعجب نیست . . .

در چنین جامعه ای اگر سینه ما های جیبی ، باشکاهای با اصطلاح نغز بجات سالم (1) کلوبهای پلایه هنری مانند قارچ از زمین بر وید و با نیان آزمند این لانه های بیهای نیستند دیگران هستی بیاموزند ، جای بحث و گفتگو نیست

و لزوماً باید به پدیده های شوم دیگری از قبیل تقلید کور کورانه از مظاهر تمدن جدید ، بینشهای بسته های مذهبی و اخلاقی ، عدم هم آهنگی در روش تعلیم و تربیت ، تمسب و خشونت های نیک و فوق العاده عده ای از پدران و ماداران ، تپش و تنم معدودی در برابر فقر و ناتوانی

جهمی، آزادی‌های بی‌حد و حصر روابط دختران و پسران، بالادقتن مصرف هر دین، تقلید از هنر پست‌های سینما، گردیدن به پیشاپس و اگرستان‌های بی‌بسیاری از بدبختی‌های دیگر مبتلا باشد.

و با این وضع، توجه سرائیها، سخن‌پراکنیها و افسانه‌پر دازی‌های عده‌ای معلوم الحال که فاقد هر گونه هدف اصلاحی و ایده اجتماعی هستند درباره جوانان شهادت زیادی به جنگ‌های زرگری و داستان هزار و یک شب دارد (۱)

پس باید قبل از هر چیز با این آزمندگان و سوداگرانی که امروز با افکار و احساسات جوانان بازی می‌کنند و بمنزله رهبری و راهنمایی آنها را بازپس گرفته و امر از خود قرار دادمانده مبارزه برخاست و دست‌نایاک و خطرناک آنها را از سر نسل جوان کوتاه نمود. باید ادعاهای مروج و خائنان بر اندازی که در گوشه و کنار جامعه ما برای ربودن نسل جوان گسترده شده، جمع نمود و تشکیلات و مراکزی که سعادت و زندگی مرفه را در محاسن رقص و پایکوبی و بیخبری و گریز از مسئولیت و اخراج رهبری بدون قید و شرط از منظر تمدن جدید، به نونهالان مامیاموزد، از پیش‌بین بر کند.

باید نسل کهن هر چه زودتر ضرورت‌های زمان را درک کرده و بجای اینکه از مقام و موقعیت خود در برابر نسل نودفاع کند و وی را با ایمان بدون عقیده قلندار نماید، باید ارزش‌های دقیق و همه‌جانبه مشکلات، خواسته‌ها و عده‌های مختلفه جوانان، همه امکانات خود را در راه هدایت افکار و تشکیلات وی بکار بندد.

باید رهبران مذهبی و کسانی که داعیه رهبری افکار را دارند و مسئولیت حیات معنوی و انسانی جامعه را بر عهده گرفته‌اند در روش و طرز تفکر خود تجدید نظر نمایند و با توجه به صدق آیه شریفه: «واعوذوا لهم ما استلیمتم» (۱) در هر چه بیشتر روح زمان و مسائل روز، از تمام وسائل و امکانات، زمینه‌ها و موقعیت‌های مناسب استفاده کرده و فریاد جوانان بی‌پناه بر سینه.

باید در تبلیغات مذهبی و رسانی و تجدید حیات کلی صورت گیرد و باید انقلاب بنیادی معارف و مجالس اسلامی از وضع استغناک سه سال و پنجاه سال قبل خارج گردد و ملتین با سلاح ایمان و علم با عتدی صحیح و مدرن بصورت کلاسیک جوانان در سر دین آموزش دهد و باید نظر داشتن کلام امام صادق علیه السلام: «علیک بالاحداث» (۲) اهم اسرار الهی کشف شود (۲) می‌کنند حتی المقدور جوانان را به مجالس مذهبی جلب نمایند.

(۱) در برابر دشمنان هر چه می‌توانید قوه و قدرت تهیه کنید.

(۲) نسل جوان را در باب که پذیرش آنها برای هر چیزی از دیگران سر بهتراست.